

# تأکید بر نظارت و کنترل‌های درون سازمانی بانک‌های مرکزی

## مر تضى والى نژاد

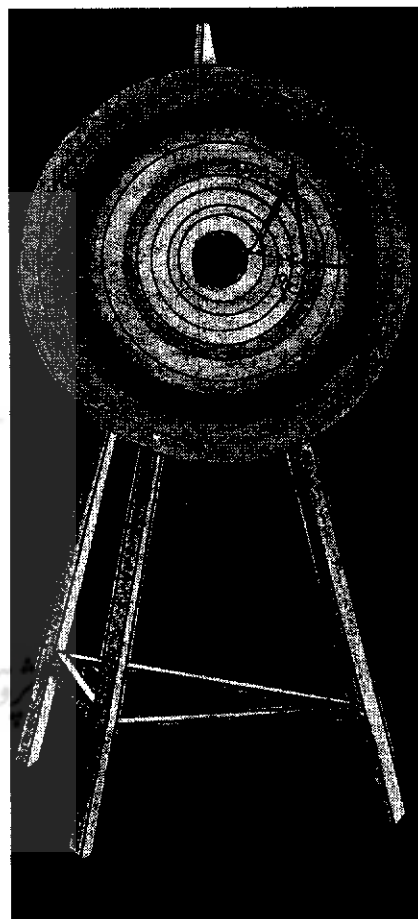
صندوق بین‌المللی پول، از مارس سال ۲۰۰۰ میلادی، با هدف افزایش ضریب اطمینان گزارش‌های آماری و شفاف نمودن روند اطلاعات مالی کشورهای عضو، تمهیداتی را به صورت آزمایشی به مورد اجرا گذاشت که موسوم شد به:

"Safe Guards Assessment (SA)"

پس از بررسی نتایج حاصل از اجرای آزمایشی این برنامه، صندوق بین‌المللی پول اجرای آن را، که بر محورهای پنج‌گانه "ELRIC" استوار می‌باشد، از نیمه دوم سال ۲۰۰۰ برای بانک مرکزی کشورهای متقاضی تسهیلات مالی الزامی کرد (جدول).

به نظر می‌رسد که تهیه صورت‌ها و گزارش‌های مالی مطابق با استانداردهای حسابداری، و حسابرسی آنها توسط حسابرس مستقل، پایه و اساس این برنامه است؛ با وجود این، پیش‌نیاز لازم برای تحقق بهینه و دقیق این دو مورد، وجود کنترل‌های داخلی (حسابرسی و بازرسی) و از همه مهمتر، جایگاه حقوقی مستقل برای بانک مرکزی هر کشور می‌باشد. توضیح اینکه این بخش از موضوع، یعنی جایگاه حقوقی مستقل بانک‌های مرکزی را در شماره بعد این مجله ملاحظه خواهید فرمود.

روشن است که ثبت حساب‌ها براساس استانداردها و روش‌های پذیرفته شده حسابداری، به گزارش‌ها و آمارها شفافیت و اطمینان می‌بخشد. گزارش‌های مالی که در این راستا قرار می‌گیرند، افزون بر افشای تمامی اطلاعات مالی و عملیاتی، می‌باید تمامی رویدادها و وقایع مؤثر بر فعالیت‌های بانک



▲ کنترل‌های داخلی به ما کمک می‌کند تا میزان دستیابی به هدف‌ها و انحراف از معیارها را اندازه‌گیری کنیم.

مرکزی را نیز انعکاس دهند.

در چنین شرایطی، حسابرسی توسط حسابرسان مستقل، به بانک‌های مرکزی هر چه بیشتر اعتبار خواهد بخشید. تهیه گزارش‌ها و صورت‌های مالی تهیه شده براساس اطلاعات دقیق و با شیوه‌های استاندارد حسابداری، و بررسی دقیق و موşkافانه آنها، موجب اصلاح و بهبود فعالیت‌ها خواهد شد و به سایر استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی بانک‌های مرکزی نیز اطمینان خواهد بخشید.

## حسابرسی مستقل و داخلی

بنا به تعریف، حسابرسی عبارت است از: رسیدگی به (یا بی‌جویی) یک مجموعه صورت‌های مالی، مدارک حسابداری و سایر شواهد پشتیبان - اعم از داخل و خارج - از سازمان مورد بررسی، توسط حسابرسان مستقل (۱:۳۵).

پاسخگویی که خاستگاه آن احترام به حقوق انسان‌ها است، در زمینه‌های گوناگون و در سطوح مختلف مطرح می‌باشد. در این میان، حسابرسی به لحاظ فراهم آوردن اطلاعات معتبر، مستند، شفاف، قابل اتکا و ... از ارکان پاسخگویی بشمار می‌آید. حسابرسی در فرآیند پاسخگویی، از طریق تعیین اعتبار اطلاعات، ارزش افزوده ایجاد می‌کند (۵:۱۶).

رشته حسابرسی که در حوزه کنترل و نظارت طبقه‌بندی می‌شود، از پیشینه طولانی برخوردار است. حسابرسی هر چند تا اندازه‌ای نقش پیشگیرانه دارد، با وجود این، بیشتر به کنترل پس از اجرا معطوف می‌باشد (۴ و ۲:۳).

حسابرسان از راه کسب آگاهی از شیوه و نظام کنترل داخلی و بازرسی مدارک، مشاهده دارایی‌ها، پرسش از منابع داخل و خارج سازمان (یا شرکت) و اجرای سایر روش‌های رسیدگی، شواهد لازم را برای تعیین اینکه صورت‌های مالی، تصویری مطلوب و به نسبت کامل از وضعیت مالی شرکت یا سازمان و فعالیت‌های آن در طول دوره مورد رسیدگی ارائه می‌کند یا خیر، گردآوری می‌کنند (۱:۲).

حسابرسان، افزون بر صلاحیت، می‌باید از استقلال هم برخوردار باشند. دلیل اصلی وجود حرفه حسابرسی مستقل، «وظیفه اعتباردهی» است. مبنای گزارش حسابرسی را رسیدگی‌های حسابرسان مستقل فراهم می‌آورد (۵ و ۱:۲).

## محورهای اجرای برنامه SA

حسابرسی صورت‌های مالی بانک مرکزی توسط حسابرس مستقل	External Audit	E	(۱)
جایگاه حقوقی بانک مرکزی و میزان استقلال آن	Legal Structure and Independence	L	(۲)
تطبیق گزارش‌های مالی بانک مرکزی با استانداردهای حسابداری	Financial Reporting	R	(۳)
وجود حسابرسی داخلی در بانک مرکزی	Internal Audit	I	(۴)
اعمال کنترل داخلی (بازرسی) در بانک مرکزی	Internal Control	C	(۵)

داخلی مسوول فراهم کردن ارزیابی مستقل از کنترل‌ها و رسیدگی به کاربری و کاربرد مؤثر آنها است (۶:۷۴).

هر چند که در وهله نخست، مدیریت مسوول کنترل داخلی است، اما در یک سازمان هر فرد به تناسب سمت و وظایف در این «مسئولیت» سهیم است. نقش حسابرسان داخلی، یاوری مدیریت ارشد در امر بازبینی و مراقبت نظام‌های کنترل داخلی است (۴:۳۶).

هدف اصلی حسابرسان داخلی، بررسی و ارزیابی مؤثر بودن شیوه انجام وظایف هر یک از بخش‌های سازمان در انجام دادن وظایف محول به آنها است. مطالعه و ارزیابی کنترل‌های داخلی حسابداری و کنترل‌های اداری نیز مورد توجه حسابرسان داخلی قرار می‌گیرد. از این منظر، کار حسابرسان داخلی، پی‌جویی و ارزیابی نظام کنترل داخلی و کارایی هر یک از بخش‌های سازمان در انجام دادن وظایف محول، گزارش یافته‌های خود و ارائه پیشنهادها و اصلاحی به مدیریت ارشد است (۲۰۶ و ۱:۱۱).

حسابرسی داخلی، آیینه انعکاس چگونگی وقایع است و در این راستا، می‌باید تنها به آمار شفاف و اطلاعات دقیق و واقعی اتکا نماید. حسابرسی داخلی، به وسیله ارائه واقعیات و با تحلیل آنها و انتقال آن به مدیریت، ارزش‌ها را ترقی و تعالی می‌بخشد. حسابرسان داخلی، از طریق معرفی راهکارها و رویه‌های بهینه، منبع ارزشمندی را در اختیار مدیران قرار می‌دهند (۶:۷۷).

در مجموع، نظام کنترل داخلی می‌باید دارای ویژگی‌های متعددی باشد، مانند:

- کارایی؛
- قابلیت اتکا و برخورداری از ضریب اطمینان بسیار؛
- گستره مناسب فعالیت (در چارچوب قوانین)؛
- شناخت دقیق از هدف‌ها، خط‌مشی‌ها و برنامه‌های سازمان، پیویایی، دارا بودن فرآیند، باز خورد اطلاعات، اصلاح و انطباق و قابلیت اصلاح انحراف‌ها؛
- انجام کنترل‌ها به صورت متناوب و برنامه‌ریزی شده؛
- مستند بودن یافته‌ها؛
- و ...

### نظارت، کنترل و بازرسی داخلی

نظارت و بازرسی فعال و پیویا، مبتنی بر کارشناسی صحیح و دقیق و در چارچوب قوانین و مقررات، از یک سو، شفافیت در انجام امور و بستر

فراگیر کمک می‌کند. دستیابی به این هدف‌ها، مستلزم وجود اجزای کنترل داخلی است: «محیط کنترل، سنجش خطر (ریسک)، فعالیت‌های کنترلی، اطلاعات و ارتباطات و بازبینی (مراقبت)» (۴:۳۵). قلمرو کار و هدف‌های اصلی کنترل داخلی، آنهایی هستند که از موارد زیر اطمینان بدست می‌دهند:

- اعتبار و درستی اطلاعات؛
- پذیرش و رعایت خط‌مشی‌ها، طرح‌ها، رویه‌ها، قوانین و مقررات؛
- حفاظت دارایی‌ها؛
- اجرای هدف‌ها با استفاده از بودجه‌های مقرر شده برای عملیات و برنامه‌ها؛

- استفاده اقتصادی و کارآمد از منابع (۴:۳۵). ساختار کنترل داخلی عبارت می‌باشد از: محیط کنترلی، نظام و شیوه حسابداری و روش‌ها و سیاست‌های کنترلی یک سازمان که برای تأمین اطمینانی منطقی از برآورده شدن هدف‌های سازمان

○ **خاستگاه باسختجویی، احترام به حقوق انسان‌هاست و حسابرسی هم به لحاظ فراهم آوردن اطلاعات معتبر، مستند، شفاف، قابل اتکا و ... از ارکان باسختجویی بشمار می‌آید.**

در آینده، برقرار شده است. این هدف‌ها عبارتند از: - محافظت از منابع شرکت در برابر اتلاف، تقلب و کارایی کم؛

- بهبود دقت و قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری و عملیاتی؛

- تشویق کارکنان به رعایت سیاست‌ها و برنامه‌های سازمان؛

- اظهار نظر نسبت به میزان کارایی عملیات در همه بخش‌های سازمان (۱:۳۶).

حسابرسی داخلی، یک فعالیت درون سازمانی است. حسابرسی داخلی، بخشی از برنامه‌های سازمان برای مدیریت خطرپذیری (ریسک)، ارزیابی کنترل‌ها، اطمینان از رعایت کنترل‌ها و مقررات و نظارت سازمان است (۶:۷۴).

کنترل‌های داخلی، بنیان و اساس واحد حسابرسی داخلی را تشکیل می‌دهند. در حالی که واحد حسابرسی داخلی در این حوزه تخصص کافی دارد، کنترل‌های داخلی در اختیار مدیریت اجرایی می‌باشد (۶:۷۴).

روح مشارکت و همکاری در سازمان، از راه کنترل‌های سازمانی نظم و ترتیب می‌یابد. حسابرسی

هر اندازه نظام کنترل داخلی قوی‌تر باشد، رسیدگی کمتری توسط حسابرسان لازم است. کنترل‌های داخلی شامل سیاست‌ها و روش‌هایی است که یک سازمان برای تأمین اطمینان از رسیدن به هدف‌های خاص خود، آن را مقرر می‌دارد (۸ و ۱:۷).

رشد فزاینده و پیچیدگی‌های جهان کنونی، نیاز به اطلاعات اقتصادی، نظام‌های اطلاعاتی و فرآیند تجزیه و تحلیل آنها را هر چه بیشتر تشدید می‌کند. از اینرو، گسترش حسابرسی به عنوان بخشی از فرآیند گزارشگری، ضرورت یافته است، تا آنجا که گستره اشکال حسابرسی با هدف‌های خاص، به «حسابرسی جامع» جایگاه ویژه‌ای بخشیده است (۵:۱۷).

تحولات دانش بشری در طی زمان و به ویژه در دهه‌های اخیر، بر جنبه‌های کاربردی حسابرسی اثر گذاشته و انجام آن را دگرگون ساخته است. از دهه ۱۹۳۰ فرآیندهای نظارت و ارزیابی عملکرد مدیران تحت عنوان «حسابرسی مدیریت» مورد توجه قرار گرفته و از دهه ۱۹۷۰ «حسابرسی جامع» به تدریج پذیرش عام یافته است. حسابرسی جامع متشکل می‌باشد از: حسابرسی مالی، عملیاتی و حسابرسی رعایت. این گونه از حسابرسی باعث خواهد شد که خدمات اعتباردهی حسابرسان مورد تقاضای بیشتری قرار گیرد (۵:۱۷ و ۲:۴).

در حسابرسی رعایت، اطلاعات قابل تأیید با معیارهای از پیش تعیین شده انطباق داده می‌شود و در حسابرسی عملیاتی، یک قسمت یا واحدهای دیگری از یک واحد تجاری یا دولتی برای سنجش کارایی عملیاتی مورد بررسی قرار می‌گیرد (۱:۳۶).

در هنگام حسابرسی، هر اندازه نظام کنترل داخلی قوی‌تر باشد، رسیدگی حسابرسان تسهیل می‌شود. کنترل‌های داخلی شامل سیاست‌ها، شیوه‌ها و روش‌هایی است که برای تأمین اطمینان از رسیدن به هدف‌های خاص، مقرر می‌شود. حسابرسی داخلی یکی از ارکان اساسی محیط کنترل است (۲۰۶، ۸، ۱:۷).

کنترل داخلی فرآیندی است که از سوی مدیریت ارشد و دیگر کارکنان یک مؤسسه، به منظور کسب اطمینان معقول از دستیابی به هدف‌های زیر برقرار می‌شود:

- کارسازی (اثربخشی) و کارایی عملیات؛
- قابلیت اعتماد (اعتبار) گزارش‌های مالی؛
- پذیرش (تبعیت) و رعایت قوانین و مقررات لازم‌الاجرا (۴:۳۵).

هر یک از این سه مقوله، سازمان‌ها و هدف‌ها و روش‌های کنترلی ویژه‌ای را مقرر می‌دارند که دست‌اندرکاران را در رسیدن به این هدف‌های عام و

سنجش عملکرد، یک فرآیند پیوسته و مکرر است که تکرار سنجش یا دفعات اندازه‌گیری به نوع فعالیت مورد نظر بستگی دارد. در این میان، اگر عملکرد کمتر از استاندارد تعیین شده باشد و تجزیه و تحلیل فعالیت‌ها بیانگر پاره‌ای کاستی‌ها و نقایص باشد، انجام اقدام‌های اصلاحی ضروری است (۲۶۱ و ۲۶۰).

کنترل، یک فرآیند پویا است. اگر مدیر فرآیند کنترل را تا دستیابی به نتیجه استمرار نبخشد، تنها عملکرد را مورد نظارت قرار داده و کنترلی انجام نداده است. همواره تأکید بر ارائه دستورهای سازنده باید به گونه‌ای باشد که عملکرد به سطح استانداردهای تعیین شده برسد و نه این که تنها نقاط ضعف و کاستی‌های گذشته به تصویر کشیده شود (۲۶۱ و ۲۶۰).

کنترل‌ها باید در نقاط حساس و کلیدی، بدون افراط و تفریط، بر پایه اطلاعات دقیق و به روز، به صورت جامع و معین و واقع‌بینانه، انجام پذیرد (۲۶۶ و ۲۶۵).

نظام‌های کنترلی باید از ویژگی‌های زیر برخوردار باشند:

- اقتصادی بودن و فزونی نداشتن هزینه‌ها بر دستاوردها؛  
- قابلیت انعطاف و ویژگی انطباق با محیط و تغییرات آن؛

- فراهم آوردن اطلاعات مفید و قابل فهم برای تجزیه و تحلیل؛

- انعکاس سریع انحراف‌ها به مدیریت؛  
- تکیه و تأکید بر اصلاح به جای تنبیه و مجازات؛

- شناسایی نقاط قدرت در کنار نقاط ضعف؛  
- هماهنگی با روحیه کارکنان و فرهنگ ناظر بر سازمان؛

- به کارگیری افراد واجد صلاحیت اخلاقی و تخصصی در امر کنترل؛

- حمایت و اشتراک مساعی مدیران و درک فرآیند کنترل توسط کارکنان دستگاه مورد نظارت؛

- ایجاد ارتباط مناسب بین نظارت شونده و نظارت کننده؛  
- ... (۲۶۶ و ۲۶۸).

هر چند که از منظر عمومی، دو واژه بازرسی و کنترل مفهومی یکسان دارند، با وجود این، کنترل امور از نقطه نظر اهمیت و ضرورت در جایگاه نخست قرار دارد و بخش مهمی از فرآیند بازرسی به بررسی و سنجش ابزار کنترل معطوف می‌شود و فعالیت‌های بازرسی بدون در نظر گرفتن ابزارهای کنترلی،

انجام شده با هم مقایسه می‌گردند. اختلاف‌ها و انحراف‌های مشاهده شده ارزیابی و میزان اهمیت آنها مشخص می‌شود و در نهایت، اصلاحات لازم برای تحقق هدف‌ها و مأموریت‌های سازمان انجام می‌گیرد؛

● نظارت، چیزی نیست جز ارسال پیام‌هایی که به صورت مؤثر، رفتار گیرنده پیام را تغییر می‌دهد؛

● نظارت، کوششی است که مدیریت در جهت تطبیق عملیات با برنامه انجام می‌دهد تا میزان صحت و سقم فعالیت‌ها را بدست آورد؛

● کنترل، تلاشی منظم است در جهت رسیدن به هدف‌های استاندارد، طراحی نظام بازخورد اطلاعات، مقایسه اجزای واقعی با استانداردهای از پیش تعیین شده و سرانجام، تعیین انحراف‌های احتمالی و سنجش و ارزیابی آنها؛

● نظارت، عبارت است از فعالیتی که باعث تطبیق عملیات با برنامه می‌شود؛

● هدف نظام‌های نظارتی، تأثیر گذاشتن بر رفتار می‌باشد و به همین دلیل است که نظارت بر فرد

در تعریف سازمان و تشکیلات نظارتی، نباید به فرهنگ، اعتقادات، هنجارها، رفتار افراد جامعه و... توجه کرد.

نتایج منفی تیز دارد؛

● ... (۳۰۶۷ و ۴۲ و ۲۰۴۱).

در مجموع، می‌توان گفت که نظارت و کنترل عبارت است از استفاده از راهکارهای علمی، عملی و انسانی برای کسب اطمینان از انطباق فعالیت‌ها با قوانین و مقررات مورد عمل و کفایت آنها به منظور:

- اقتصادی بودن فعالیت‌ها؛  
- پی بردن به نقاط ضعف و قدرت عملکردها؛  
- ارائه راه‌حل‌های اصلاحی؛  
- افزایش بهره‌وری (۲۰۴۲).

هدف اصلی و نهایی نظارت، تعیین میزان موفقیت در کسب هدف‌های مقرر برای هر سازمان است. برای فرآیند کنترل به طور کلی چهار مرحله تعیین معیار یا استاندارد، سنجش عملکرد، تشخیص انحراف‌ها و انجام اقدام‌های اصلاحی را می‌توان تبیین نمود (۲۵۸ و ۲۵۵).

لازم است هدف‌هایی که در فرآیند برنامه‌ریزی تعیین می‌شوند، به دقت مشخص گردند تا بتوان آنها را در زمان مقرر سنجید یا اندازه‌گیری کرد. هدف‌هایی که با کلمات دقیق و سنجیده بیان شده باشند، جریان کنترل را تسهیل می‌کنند (۲۰۴۰).

مناسب برای رشد و شکوفایی را فراهم می‌سازد و از سوی دیگر، مانع کجروی‌ها و کاستی‌ها می‌شود.

نظارت و کنترل، یکی از ارکان مدیریت بشمار می‌آید. مدیر، به عنوان یکی از وظایف اصلی خود باید شیوه‌ها، امکانات و عملیات گوناگون تشکیلات را زیر پوشش نظارتی قرار دهد. در این حیطة است که مدیر تمامی فعالیت‌ها را با برنامه می‌سنجد و در صورت عدم انطباق عملیات واحدها و افراد با هدف‌ها و برنامه‌ها، از طریق هدایت و راهنمایی‌های مناسب، انحراف را اصلاح و خسارت‌ها را جبران می‌نماید. از اینرو، کنترل، ابزار کار مدیریت می‌باشد و سازمان بدون وجود یک نظام کنترلی مناسب، در تحقق هدف‌های خود موفق نخواهد بود و در نهایت، نمی‌تواند از منابع خود به صورت بهینه بهره‌برداری نماید (۶۷ و ۳۰۶۶).

مفهوم نظارت، «فراهم سازی اطلاعات» برای «مدیریت اثربخش» است. «اطلاعات درست و واقعی» و «نظارت» در تعامل با یکدیگر می‌باشند؛ نظارت دقیق، اطلاعات واقعی را پدید می‌آورد و به اثربخشی مدیریت کمک می‌کند و در برابر، اطلاعات مفید نیز برای نظارت صحیح و واقعی پایه‌ای محکم را فراهم می‌آورد. از این منظر، نظارت یک فرآیند تحقیق است که باید با بهره‌گیری از شیوه‌های علمی انجام پذیرد تا نتایج حاصل از آن مستند و قابل اتکا باشد. عدم درک مشترک مدیریت و دستگاه ناظر از این مفهوم و نبود شناخت نسبت به جایگاه رفیع نظارت و اصالت دادن هر بخش به خود و عدم توجه به تعامل این دو جایگاه، نظام نظارتی را به نظامی ناسازگار و ناهماهنگ تبدیل می‌کند (۴۳ و ۲۰۴۲).

هدف و فلسفه وجودی نظارت و بازرسی، اصلاح و بهبود است. در فرآیند نظارت و کنترل «آنچه باید باشد» با «آنچه هست» به دقت مقایسه و تطبیق داده شود. در این فرآیند، نقاط قوت و ضعف در کنار هم دیده می‌شوند. اگر نهادهای نظارتی تنها به کشف مشکلات، نقایص و نارسایی‌ها بپردازند و از یافتن علت‌ها و ریشه‌های مشکلات و کاستی‌ها بپرهیز کنند، رسالت خود را به درستی درک نکرده‌اند (۲۰ و ۱۹).

نظارت و بازرسی، یک فرآیند تحقیق است که به لحاظ ارتباط تنگاتنگ با انسان‌ها و عواطف آنها، نمی‌توان تعریف واحد و الگوی عمومی برای آن ارائه داد؛ از اینرو، دانشمندان آنها را به گونه‌های متفاوت تعریف و توصیف کرده‌اند، مانند:

● کنترل، عبارت است از فعالیتی منظم که ضمن آن، نتایج مورد انتظار در قالب استانداردهای انجام عملیات معین می‌شوند. شیوه و نظام دریافت اطلاعات طراحی می‌شود، عملیات پیش‌بینی شده و

مفهومی نخواهد داشت (۷:۴).

رسیدگی داخلی و بازرسی داخلی، اجزای مهم تشکیل دهنده نظام کنترل داخلی اند. محدوده فعالیت بازرسی داخلی توسط مدیریت سازمان تعیین می‌شود (۷:۲۲).

وظیفه بازرسی، کسب اطمینان از وجود کنترل‌ها و انجام درست فعالیت‌های اجرایی است. منظور از بازرسی داخلی، بررسی و ارزیابی جریان آرام، کارا و مؤثر دستورالعمل‌های موجود کنترل داخلی است (۷:۴ و ۵).

کنترل داخلی، فراتر از کنترل‌های حسابداری است و شامل تمام کنترل‌های اجرای از قبیل: کنترل کیفیت، استانداردهای کار، کنترل بودجه‌ای، گزارش‌های دوره‌ای، بازرسی داخلی، سیاست‌های ارزیابی، کنترل‌های کمی و ... می‌شود. کنترل داخلی، عبارتست از کلیه نظام‌های سنجش موجود که به منظور ارزیابی مراحل اجرایی و کاربردی برای موارد زیر طراحی شده است:

- حفظ دارایی‌های سازمان؛
- کسب اطمینان از قابلیت اعتماد نظام اطلاعاتی داخلی و خارجی؛
- نظم و ترتیب امور اجرایی سازمان و انجام پیشرفت‌های ضروری؛
- انطباق امور با قوانین، مقررات و برنامه‌ها و دستورالعمل‌های مربوط (۲۱ و ۷:۱۱).
- بازرسی داخلی، عبارت است از مروری انتقادی و مستقل بر نظام‌های کنترلی و اجرایی درون یک سازمان برای رسیدن به هدف‌های زیر:
- برقراری خط مشی و دستورالعمل‌های قابل

قبول و تداوم آنها؛

- رعایت معیارها و استانداردها؛
- استفاده بهینه از منابع اقتصادی؛
- انجام وظایف محول به شکل واقعی؛
- تحقق هدف‌های سازمان (۷:۱۱).

- امروزه، گستره بازرسی نسبت به گذشته بسیار فراگیرتر شده است. براساس مفاهیم نوین، وظیفه بازرسی داخلی، مرور عملیات اجرایی است و دامنه آن عبارت می‌باشد از بررسی و ارزیابی کفایت و مؤثر بودن نظام کنترل داخلی یک سازمان و کیفیت اجرایی مسؤلیت‌های محوله. در واقع، بازرسی داخلی، عبارت است از ارزیابی مستقل در درون یک سازمان برای مرور عملیات اجرایی آن به عنوان خدمتی به مدیریت (۷:۳۹ و ۴۰).

یافته‌های بازرسی می‌باید موارد زیر را شامل شود:

- ارایه تصویر درست و واقعی از وضعیت موجود؛  
- ترسیم شرایط ایده‌آل معیارها و استانداردهای مورد نیاز؛

- اثرات نقاط ضعف و نارسایی‌های یافته شده؛  
- دلایل نارسایی‌ها و کاستی‌ها (۷۱ و ۷:۷۰).  
نظارت و کنترل، فرآیندی بسیار پیچیده، ظریف و حساس می‌باشد که با روان و عواطف انسان‌ها در ارتباط است. از اینرو، ارایه یک الگوی عمومی و فراگیر برای آن غیرممکن می‌نماید. در تعریف سازمان و تشکیلات نظارتی، باید به فرهنگ، اعتقادات، هنجارها، رفتار افراد جامعه و ... توجه کرد (۲:۴۱ و ۸:۱۶).

هدف و فلسفه وجودی نظارت و بازرسی، افزون بر شفاف‌سازی، شناخت نقاط قدرت و ضعف، ارایه پیشنهاد برای اصلاح و ترمیم راهکارها و بهبود شیوه‌های عملیاتی است. اگر این ویژگی در نظام کنترلی موجود نباشد، این نظام، به زودی تنها به صورت یک وظیفه اجباری در مجموعه سازمانی جلوه‌گر خواهد شد و مقام نظارتی به یک نهاد تشریفاتی تغییر ماهیت خواهد داد. سازمان‌های نظارتی در صورتی در انجام رسالت خود توفیق کسب خواهند کرد که افزون بر کشف مشکلات و نارسایی‌ها، خود را موظف به ریشه‌یابی و ارایه راهبردهای عملیاتی برای مرتفع ساختن آنها بدانند (۸:۱۶ و ۴:۱۹).

رسالت یک نظام نظارت کارا و پویا، شفاف‌سازی آمار و اطلاعات و عملکرد دستگاه مورد نظارت می‌باشد. در چنین شیوه نظارتی، نقاط مثبت و منفی در کنار هم دیده می‌شوند و توانمندی‌ها و ناتوانی‌ها و نارسایی‌ها - همراه با هم - زیر ذره‌بین قرار می‌گیرند. بدیهی است که همواره اصل بر برائت است و ترویج فرهنگ اعتماد به دیگران، با تأکید بر اصل برائت، واکنش‌های (احتمالی) منفی افراد، گروه‌ها یا سازمان‌های تحت نظارت را کاهش می‌دهد و فرآیند نظارت و کنترل را به یک هنجار در جامعه مبدل می‌سازد و احساس مسوولیت همگانی را تقویت می‌نماید (۲:۲۰ و ۱۷ و ۸:۱۶).

گرایش به سوی ذهن‌گرایی و دور شدن از عینیت‌گرایی، عدم بکارگیری معیارهای دقیق و عینی، تأکید بر یک جزء از مجموعه مورد بازرسی به جای نگاه جامع به آن و ... را می‌توان از جمله آفات نظارت دانست (۲۱ و ۲:۲۰ و ۸:۱۷).

محور تشکل نهادهای نظارتی نیز نیروی انسانی است. بازرسی و نظارت، حاصل تلاش ناظران و بازرسان می‌باشد. از اینرو، توجه به منابع انسانی به کارگمارده شده در این بخش، بسیار ضروری است. در

گزینش و انتخاب ناظران و بازرسان، باید ویژگی‌های متعددی مورد توجه قرار گیرند، ویژگی‌هایی همچون توانایی‌های علمی و تخصصی، تجربه و کاردانی، شناخت سازمانی، امانت‌داری و صحت عمل، صداقت، شجاعت، منبسط بودن، انگیزه، درستکاری، صبر و شکیبایی، پایبندی به اصول اخلاقی و هنجارهای جامعه و محیط، توانایی تجزیه و تحلیل آمار و اطلاعات، تقوا و ... (۸:۱۷).

نظام نظارتی، هدف و روش و سازمان و جایگاه قانونی ویژه خود را می‌طلبد. مجریان این نظام، افزون بر توانایی برای پیاده کردن آن، می‌باید از بینش حرفه‌ای لازم نیز برخوردار باشند. عدم توفیق نظارت، تنها معطوف به فقدان یک نظام مؤثر نظارتی نیست، بلکه خلأ مجریان و هادیان بصیر، حتی در نظام‌های متشکل و قوی، می‌تواند به راحتی موجب عدم توفیق شود (۹:۲۱).

## ادامه دارد

### فهرست منابع

- ۱) اصول حسابداری / جلد اول / ترجمه عباس ارباب سلیمانی و محمود نقوی / چاپ اول / مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابداری سازمان حسابداری / ۱۳۷۱.
- ۲) مجموعه مقالات دومین همایش علمی و پژوهشی نظارت و بازرسی در کشور / چاپ اول / سازمان بازرسی کل کشور / دانشکده مدیریت دانشگاه تهران / ۱۳۸۰.
- ۳) پرویز سعیدی / نظارت و کنترل در مدیریت اسلامی / حسابدار / شماره ۱۲۵ / اردیبهشت ۱۳۷۷.
- ۴) امیر پوریانسیب و کیهان مهام / معرفی کنترل داخلی در قالب ۹ پرسش و پاسخ / حسابدار / شماره ۱۳۰ / اردیبهشت ۱۳۷۸.
- ۵) غلامحسین دوانی / حسابداری و حسابداری در آستانه قرن ۲۱ / حسابدار / شماره ۱۳۳ / آذر ۱۳۷۸.
- ۶) حساب‌رسان داخلی چگونه ارزش می‌آفرینند؟ / ترجمه علی سپهری / مجد / حسابدار / شماره ۱۳۸ / شهریور ۱۳۷۹.
- ۷) مصطفی مشتاق / بازرسی و کنترل داخلی / چاپ اول / مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی / زمستان ۱۳۷۶.
- ۸) مرتضی والی نژاد / فرآیند نظارت و ویژگی‌های آن / بانک و اقتصاد / شماره ۲۵ / تیر ۱۳۸۱.
- ۹) علی هدایتی / راه‌های دولتی و مصونیت‌های بی‌مورد / بانک و اقتصاد / شماره ۲۸ / مهر ۱۳۸۱. ■